

--Name of Journal-----
Vol(issue), PP.
. atu.ac.ir
DOI:



The Metapsychological Analysis of the Emergence of self-interested Subjects in the Tenth Administration

author's full name

Fariborz Moharramkhani, Associate
Professor of Political Science Qazvin,
Qazvin, Iran

Abstract

Over the past two decades, the country's conditions have changed so dramatically that people have developed a nostalgic feeling for the not-so-distant past. The common sentiment among the public is that they have moved away from the simple and kind-hearted lifestyle of the 1980s and 1990s and entered a competitive and ruthless world. According to the analysis presented in this article, the period of the tenth administration marked a turning point in this transformation. The decisions of this government led to the emergence of the self-interested subject. The question is, how did the self-interested subject emerge as a result of the policies of the tenth administration? This article aims to answer this question within the framework of Lacan's political psychoanalytic theories using a descriptive-analytical method. In this approach, which combines psychology with linguistic and political science, the belief in a fixed essence in humans and the conventional boundaries between individual and collective are set aside, and the identity of the human subject is considered something arising from collective life and inherently unstable. In other words, identity is defined as "becoming" rather than "being." Therefore, the state, as the Other, plays a central role in shaping the identity of its subjects through the control of the chain of signifiers. The conclusion of this paper is that the tenth administration, by intensifying the antagonistic relationship of power and weakening the civil society, paved the way for the emergence of the self-interested subject in Iran.

Original Research / Review / ..
Received:
Accepted:
ISSN: eISSN:

The self-interested subject is an individual whose rational calculation of profit and loss outweighs their emotions and affections. The paper suggests, in order to govern-mentalize this one-dimensional subject, conditions for the creation of civil society should be provided so that the subject can be recognized as an important actor by others, not by pursuing profit but by adhering to legal and regulatory frameworks.

Keywords: self-interested subject .recognition. Civil society. Political Psychoanalysis. Lacan

تحلیل فراروانشناسانه ظهور سوژه سودجو در دولت دهم

فریبرز محرم خانی دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه بین الملل امام
خمینی(ره)، قزوین، ایران

نویسنده

چکیده

امروزه در کشور میان وضعیت کنونی و دهه ۶۰ چنان تفاوتی وجود دارد که مردم با حسرت از آن یاد می کنند. در واقع احساس مشترک مردم این است که تغییری، آنها را از زندگی بی تکلف گذشته دور و وارد دنیای پر اضطراب رقابت برای کسب موقعیت برتر نموده است. بر اساس تحلیل این مقاله، بازه دولت دهم نقطه عطف این تغییر بود. دولتی که تصمیمات آن موجب ظهور سوژه سودجو شد. سوال این است که چه شرایطی آشکار شدن سوژه سودجو در دولت دهم را تسهیل نمود؟ این مقاله بر اساس چارچوب نظری روانکاوی سیاسی لاکان و با روش توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ می دهد. بر اساس این نظریه که تلفیق روانشناسی با مباحث زبانی و سیاست است، انسان جوهر ثابتی ندارد. در این نظریه مرزهای مرسوم میان فرد/جمع به کناری نهاده شده و هویت انسان امری برآمده از زندگی جمعی و ناپایدار می باشد. خلاصه اینکه هویت به منزله "شدن" به جای "بودن" تعریف می شود. دولت به مثابه دیگری بزرگ از طریق کنترل زنجیره دالها، عامل اصلی شکل دادن هویت است. مقاله به این نتیجه رسیده که سیاست های دولت دهم از یک سو به تضعیف جامعه مدنی و از سوی دیگر به تعبیر امر سیاسی انجامید. این دو امر زمینه را برای ظهور سودجو در کشور مهیا نمود. پیشنهاد این نوشتار برای حکم-روانی بر سوژه سودجو، ایجاد جامعه مدنی است تا سوژه بتواند به شرط رعایت ضوابط حقوقی-قانونی و نه کسب سود، به عنوان بازیگری مهم از سوی دیگری بزرگ شناسایی گردد. در غیر اینصورت این سوژه اقدام به تخریب جامعه و طغیان خواهد نمود.

کلید واژه: سوژه سودجو- شناسایی- جامعه مدنی- روانکاوی سیاسی- لاکان

eISSN:

ISSN:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۰/۰۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۰/۰۰

مقاله پژوهشی/مروری/سخن سر دبیر

مقدمه

نویسندگان این سطور در مقاله هیستریک شدن سوژه ایرانی، ناآرامی های دهه ۹۰ و حوادث پس از فوت مهسا را نتیجه ناکارکردی فانتزی حکومت در اقناع سوژه ایرانی برشمرده بودند. چرا که هرگاه میان فانتزی حکومت و مطالبات سوژه ناهمسانی پدید آید، سوژه طغیان می کند. هدف نوشته جدید این است که مشخص نمایید از چه زمانی کارکرد فانتزی دچار آسیب شد. نشانه هایی^۱ مانند افزایش آمار تخلفات مالی کلان و قطبی شدن جامعه بین سالهای ۸۸ تا ۹۲، حاکی از این است که سیاست های دولت دهم به باورهای مردم آسیب رساند و موجب ظهور رفتارهای سودجویانه سوژه ایرانی شد. حال سوال اصلی اینست که چرا سیاست های دولت دهم در حکم-روانی^۲ سوژه ناموفق و در نهایت به ظهور سوژه سود جو انجامید؟ به تعبیر دیگر چرا ساز و کار بهنجار سازی دولت دهم به جای کنترل سودجویی سوژه، موجب گسترش آن در جامعه شد؟ پیش از جستجو برای پاسخ این سوال، ذکر این مقدمه ضروریست که در رهیافتهای جدید معروف به پسا انسانگرایی^۳ اعتقاد به وجود جوهر ثابت انسانی و تفکیک مرسوم میان فرد/جمع، به کناری نهاده شده است. در این رهیافت جدید، آدمی نه موجودی مستقل بلکه سوژه ای برساختی و ناپایدار تلقی می گردد. این موج نو از دهه ۱۹۷۰ به این سو با اندیشمندانی چون لاکان، فوکو، آلتوسر، مرلوپونتی، دلوز و گاتاری در رشته روانشناسی سیاسی آغاز گردیده است. این مقاله در بخش اول به بررسی نظریه لاکان و بخش دوم به تحلیل ظهور سوژه سود جو در کشور می پردازد.

روانشناسی سیاسی تا کنون سه مرحله را پشت سر گذاشته است. اولین مرحله طی سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ با تمرکز بر فهم رابطه میان تفکرات، احساسات، و اعمال سیاسی بود. در این دوره توجه پژوهشگران معطوف به تعیین کننده های محیطی، با تکیه بر نظریات رفتارگرایی، مارکسیستی، و روانکاوی بود. از آنجا که محور اصلی تحقیقات در این مرحله تجربه های تعیین کننده دوره کودکی بود، به عنوان دوره

1-Symptom

2-Govern-mentality

3-posthumanism

شخصیت و فرهنگ شناخته می شود. مرحله دوم در دهه ۶۰-۷۰ معروف به دوره نگرش ها و رفتار رای دهنده در نظریه هایی چون انتخاب عقلانی و بیشینه سازی هزینه-فایده متجلی شد. این نظریات انسان را موجودی عاقل و تابع قاعده ثابت انتخاب سود می انگاشتند. بر این اساس پژوهشگران سعی داشتند با کمک پرسشنامه هایی به روش پیمایشی، فرمول های رفتار آدمی را استخراج نمایند. طی دهه ۸۰ و ۹۰ مرحله سوم موسوم به شناخت و تصمیم سیاسی شکل گرفت. موضوع اصلی این دوره بررسی محتوا و عملکرد نظام های شناختی ای بود که تصمیم گیری های سیاسی را تحت تاثیر قرار می دهد (مک گوایر، جاست، ۱۳۹۷: ۵۷). شاید بتوان وجه مشترک این سه مرحله را تاکید بر پیش بینی و کنترل رفتار انسان با هدف بهبود زندگی دانست. هدفی که نفوذ و تسلط پوزیتویسم در روانشناسی سیاسی را افزایش داد. در اثر این نفوذ، روانشناسی سیاسی تمام توجه خود را به جای رفع مشکلات بشری به توسعه روشهای علمی معطوف نمود و از هدف بهبود زندگی دور شد (شولتز، ۱۳۷۸: ۲۱). در اثر این انحراف گروهی از متفکران حوزه های سیاست، تحلیل ادبی، زبانشناسی، و مردم شناسی به مقابله با علم زدگی و غلبه مسائل روشی برخاستند. این رویارویی زمینه تقویت بنیادهای فلسفی به جای روشهای تجربی در حوزه مطالعات انسانی را فراهم نمود. در واقع این تحولات موجب رنسانسی در علوم انسانی شد که توجه به انسان به جای روش را بدل به موضوع اصلی نمود. از آن پس انواع متنوع پژوهشها شامل مطالعات موردی، گزارشات شخصی، محاسبات سنتی، تحقیقات عملی، تاریخ نگاری، و مردم شناسی امکان بروز پیدا کردند. به تبع این تحولات امروزه شاهد ظهور متخصصان حوزه های جدیدی مانند مطالعات فرهنگی، مطالعات علم و تکنولوژی، پژوهش کوپیر ها^۱، تحقیق در تاریخ ناخودآگاه، مطالعات حوزه جنسیت، و مطالعه محیط زیست هستیم.

با توجه به این توضیحات شاید بتوان آراء لاکان را آغاز مرحله چهارم روانشناسی سیاسی دانست که وجود جوهر ثابت انسانی و مرزهای مرسوم میان فرد/جمع را کنار زده و هویت سوژه را بر ساخته زندگی جمعی و ناپایدار می پندارد. در واقع محور اساسی این

1 -Queer studies

دوره تعریف هویت به منزله "شدن" به جای "بودن" است. وجه تمایز روانکاوی سیاسی لاکان این است که به جای دوگانه فرد-جمع، رابطه ای دیالکتیکی میان فرد و نظام سیاسی برقرار می کند. تاکید این رهیافت بر عناصر اجتماعی سازنده ذهن فرد، سبب شده تا برای فرد ابعادی فراتر از آگوا^۱ در نظر گرفته و رهیافتی متفاوت از روانشناسی آگو محور در پیش گیرد. به تعبیر دیگر عقیده بر این است که فرد حاکمیت^۲ مطلق در کنترل خویش ندارد. البته لاکان با مفهوم سوژه شکافته، تلاش دارد تا نشان دهد که سوژه موجودی کاملاً بی اختیار هم نیست. مهمترین ویژگی نظریات لاکان اینست که زبان شناسی را جایگزین زیست شناسی در روانشناسی کرد و عناصر فلسفی- انسان شناختی را بر عناصر طبیعی برتری بخشید. در تعریف جدید انسان، زبان به جای نیروهای زیستی رانه اصلی تلقی می گردد. اهمیت آراء لاکان به حدی است که برخی دهه ۷۰ میلادی را عصر او می دانند (Turkle, 1981:226). به قسمی که بدون درک آراء او نمی توان به اندیشه های متفکرانی چون فوکو، آلتوسر، جودی باتلر، اسلاوی ژیزک، ارنستو لاکلاو، ژولیا کریستوا، ژیل دلوژ، و فلیکس گاتاری پی برد.

پیشینه پژوهش

امروزه تحقیق در مورد سوژه انسانی باتوجه به تمام ابعاد فردی - اجتماعی و ذهنی- احساسی، در کثیری از کتب و مقالات دیده می شود که مباحث پسا-استعماری نویسندگان آمریکای لاتین در این زمینه شناخته شده تر می باشند. رهیافتی که تسلط قدرتمندان بر زندگی انسانها را نه فقط از طرق ملموس جنگ و فقر، بلکه از مجاری ناملموس روان مورد بررسی قرار می دهد. متاثر از این نویسندگان جریان ترنس مدرنیسم در میان اندیشمندان نضج یافته است که خواهان گذر از روشهای پوزیتویستی

1- ego

2- Sovereignty

و روی آوردن به روشهایی چون مورد پژوهی ، شرح حال نویسی برای شناسایی امور است. به عنوان نمونه می توان به جریانی به نام احساسات عمومی^۱ اشاره کرد که احساسات و عواطف را نقطه شروع عقاید به شمار می آورد (Cvetkovich, 2012:10). در این رابطه می توان به کتاب /افسردگی یک /احساس عمومی اثر آن سویتکوویچ^۲، سیاست چگونه ما را بیمار می کند اثر شرکر^۳، /افسردگی و جهانی شدن اثر کارل واکر^۴ اشاره نمود. همچنین نویسندگانی چون ریچارد ویلیامز^۵ و استوارت هال^۶ فرهنگ را "روش زندگی" و "ساختار احساسات" تعریف می کنند. جامعه شناسان و انسان شناسانی از قبیل کاتلین استیوارت^۷، میشل تاسیگ^۸، نادیا سریمتاکیس^۹، و آوری گوردن^{۱۰} در پژوهش های خود بیشتر بر مفهوم احساس و عاطفه تمرکز نموده اند. این گروه از پژوهشگران متأثر از رویکرد والتر بنجامین و جورج زیمل ، در بررسی های جامعه شناسانه زندگی شهری بر مفهوم احساس تاکید نموده اند. هدف این نوع تحلیل ها بررسی نقش قدرت، و اهمیت رژیم حقیقت در زندگی انسان و شناسایی تاثیر آن در حیات جمعی است. این رهیافت در میان رفتارشناسان و فمنیست ها هم طرفدارانی

1 -Public Feelings

2 -DEPRESSION A PUBLIC FEELING, Ann Cvetkovich

3 -HOW POLITICS MAKES SICK, T. Schrecker

4 -DEPRESSION AND GLOBALIZATION, Carl Walker

5 -Raymond Williams

6 -Stuart Hall

7 -Kathleen Stewart

8 -Michael taussig

9 -Nadia Seremetakis

10 - Avery Gordon

یافته است. از جمله می توان به کتاب *ماده تاریک*^۱ ذهن نوشته دانیل اورت، *راز موفقیت* نوشته جوزف هنریش^۲، *افسانه جنسیت* نوشته کوردلیا فاین^۳، و *ورای طبیعت انسان* نوشته جوزه پرینز^۴ اشاره نمود.

جامعه و حکومت ایران بعد از انقلاب بر اساس نظریات متفاوتی بررسی شده است. مهمترین آثار عبارتند از: اولیور روی^۵ (۲۰۰۴)، شائول بخاش^۶ (۱۹۸۵)، نیک کی کدی^۷ (۲۰۰۴، ۲۰۰۶)، ایرواند آبراهامیان^۸ (۱۹۸۹، ۲۰۰۸)، که به بررسی عوامل سیاسی و مذهبی موثر در شکل گیری حکومت و جامعه در ایران بعد از انقلاب پرداخته اند. سعیدارجمند^۹ (۱۹۸۸، ۲۰۰۳) و رامین جهانگللو^{۱۰} (۲۰۱۳) با نگاهی جامعه شناسانه مسائل ایران معاصر را مورد بررسی قرار داده اند. دانیل بروم برگ^{۱۱} (۲۰۱۶) به چگونگی ساختار سیاسی دولت در ایران پرداخته است. دلیپ هیرو^{۱۲} (۱۹۸۵) دخالت زمینه سیاسی-اقتصادی نظام بین الملل در ایجاد حکومت اسلامی در ایران را بررسی کرده است. هما کاتوزیان^{۱۳} (۲۰۰۳)، علی انصاری^{۱۴} (۲۰۰۷، ۲۰۱۳). و ویلیام کلوند^{۱۵} (۲۰۰۹) چگونگی شکل نظام سیاسی حاکم بر ایران بعد از انقلاب را بررسی کرده اند. اما تحقیقات جدیدتری نیز در مورد اعتراضات و حوادث اخیر در ایران تدوین شده است. از جمله سردار نیا و البرزی^{۱۶} (۱۴۰۱)، چراغی و مقصودی^{۱۷} (۱۴۰۰) و نوروزپور^{۱۸} (۱۳۹۸) به تاثیر

1 -DARK MATTER OF THE MIND, Daniel Everett

2 -THE SECRET OF OUR SUCCESS, Joseph Henrich

3 -DELUSION OF GENDER, Cordelia Fine

4 -BEYOND HUMAN NATURE, Josse Prinz

5 - Oliver Roy

6 - Shaul Bakhash

7 - Daniel Brumberg

8 - Dilip Hiro

9 - William Cleveland

مسائل اقتصادی در اعتراضات اخیر ایران پرداخته اند. حسین پور و رشیدی (۱۴۰۰) و جودی و همکاران (۱۴۰۰) نقش فناوریهای الکترونیک و اینترنت در ایجاد جنبش های اجتماعی جدید و اعتراضات را بررسی نموده اند. نیکونهاد و همکارانش (۱۳۹۹) با نگاهی فرهنگی جنبش های اجتماعی جدید در ایران را مورد مذاقه قرار داده اند.

اما تنها تعداد محدودی از محققین از منظر جدید روانکاوی سیاسی، مسائل اجتماعی کشور را بررسی نموده اند. از جمله؛ تربتی (۱۳۹۶)، سهرابی و همکارانش (۱۴۰۰)، محمد باقری و همکارانش (۱۴۰۰) رجبر (۲۰۱۸) محرمخانی و برقی (۱۴۰۲). وجه تمایز این مقاله اینست که با استفاده از چارچوب نظری لاکان عوامل ظاهر شدن سوژه جو در دولت دهم را بررسی می نماید. موضوعی که تاکنون کمتر تحقیقی به آن پرداخته است.

روش

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است. در این روش با توصیف آنچه "هست"، به تبیین علت مساله پژوهش پرداخته می شود. از این رو در بخش اول نظریه لاکان در خصوص سوژه معرفی می شود. در بخش دوم بر اساس روانشناسی سیاسی، سوال اصلی مقاله یعنی ظهور سوژه سود جو در دولت دهم مورد بررسی قرار می گیرد.

بخش اول

الف) تحلیل دولت

در رهیافت جدید روانشناسی سیاسی مدل حقوقی دولت کنار گذاشته شده است. مفروض مدل حقوقی این است که فرد حقوق و ارزشهای طبیعی خود را طی توافقی داوطلبانه به دولت می بخشد. در این مدل اجرای قانون نماد اصلی قدرت تلقی می گردد. روانشناسی سیاسی، رهیافت دیگری به نام مدل انضباطی به دولت دارد. یعنی معتقد است همواره نزاع، نه توافق، میان دولت و

شهروندان وجود دارد (فوکو، ۱۳۸۹: ۵۶). جدال قدرت در مدل حقوقی، موقتی و پیرامون دوگانه مشروع - نامشروع است ولی در مدل انضباطی دایمی و حول محور سرکوب - تسلیم می باشد. دولت در روانشناسی سیاسی لاکان بر اساس مدل انضباطی تحلیل می گردد. در چارچوب این مدل، سلطه دولت با ایجاد گفتمان حقیقت اسقرار، و از طریق عملکردها، روشهای حکم-روانی ۱، و ساز و کار بهنجار سازی ۲ تداوم می یابد. در مدل انضباطی دیگر سخن از سوژه ای آرمانی که با صرف نظر کردن از بخشی از حقوقش دولت را بوجود می آورد، در میان نیست. بلکه برعکس این روابط قدرت است که سوژه را بوجود می آورد. در این مدل قدرت مبتنی بر شکل عمومی جنگ تحلیل می گردد. یعنی رابطه ای آنتاگونیستی میان دولت و شهروندان وجود دارد که در دل آن تمام فرآیندهای رویارویی و مبارزات میان افراد، گروهها، و طبقات جای می گیرد. در واقع جنگی پنهان، ساز و کار قدرت و موتور اصلی نهادها و قوانین را تشکیل می دهد. این جنگ کل پیکره جامعه را به دو گروه له یا علیه قدرت تقسیم می کند. در مقابل دولتها تلاش می کنند با ایجاد فانتزی نظم و الزامات طبیعی، روابط آنتاگونیستی را به نوعی رابطه انقیاد بدل سازند. در این رهیافت کارویژه قدرت هدایت رفتار به روش شبانکارگی ۳ تعریف می شود. و قدرت نه بر اساس شرایط اولیه رابطه دولت و شهروندان، بلکه بر اساس خود رابطه بررسی می شود. چرا که قدرت چیزی فراتر از رابطه نیست و در ضمن این رابطه است که عناصری که قدرت بر آنها اثر می گذارد، بوجود می آیند. در واقع ریز-سیاست ۴ یا زیست سیاست ۵ محصول این رهیافت به سیاست و دولت است (Donoso & Apablaza, 2021:180). از اینروست که در این رهیافت به

1 -government-mentality

2 -Normalization

3 -pastoralism

4 -Micropolitic

5 -biopolitics

جای بررسی اینکه چرا و چگونه سوژه ها به سلطه تن می دهند ، مساله اینست که چگونه ساز و کار بهنجار سازی سوژه ها را بوجود می آورد (فوکو، ۱۳۸۹: ۳۵۳)

ب) هویت یابی سوژه

متناسب با نیاز این مقاله در معرفی سوژه لاکانی، ابتدا ناخودآگاه و سپس سوژه ناخودآگاه تعریف می گردد. تا فرآیند هویت یابی سوژه از نظر وی روشن گردد.

بواسطه احساس تنهایی بشر متعاقب تجربه جنگ جهانی دوم، مشکلات فراوانی از قبیل الکلیسم، خودکشی، اعتیاد، و جنایت در زندگی روزمره مردم رواج یافت. این مشکلات اجتماعی باور به فلسفه ای که انسان را موجودی مستقل و دارای انتخاب عقلانی می دانست، به چالش کشید (Turtle.1981:41). آراء لاکان محصول این شرایط می باشد. به شکل خلاصه وی سوژه انسانی را بر ساخته گفتمان دیگری بزرگ می داند.

اگو (فردی) + دیگری بزرگ (جمعی) = سوژه لاکانی

لاکان این سخن فروید را که "کلمه متعلق ناخودآگاه است" (فروید، ۱۳۷۹، ۱۲۰) توسعه داد و به اصل محوری نظراتش تبدیل نمود یعنی که ناخودآگاه ساختاری شبیه زبان دارد (Lacan.1977:234). این فیلسوف روانشناس، ناخودآگاه را پدیده ای همزمانی ۱ و مخزن مفاهیم "غیر ثابت" می داند. منظور وی از امور غیر ثابت، زنجیره دال هاست. ناخود آگاه به همراه سه مفهوم تکرار ۲، انتقال ۳، و رانه ۴ عناصر اصلی سازنده سوژه

1 -Synchronic

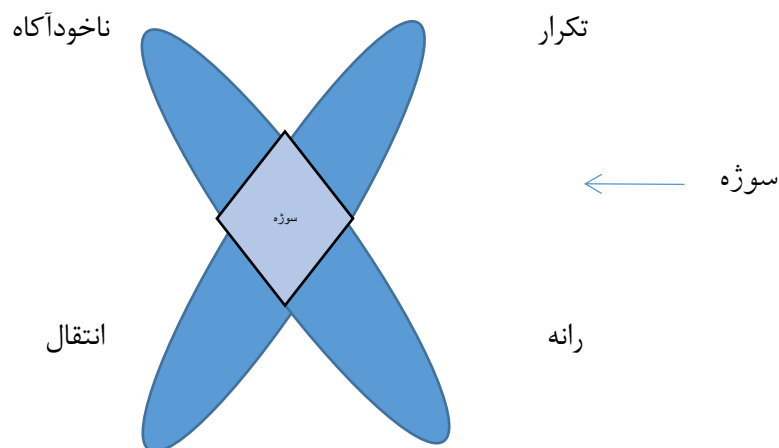
2 -Repetition

3 -Transference

4 -Drive

12 | نام خانوادگی نویسنده اول و دوم (بیش از دو نویسنده نام خانوادگی نویسنده اول و همکاران

لاکانی به شمار می رود (Harari.2004:11) این سوژه در گسترده ترین معنا، سوژه میل و در معنای جزئی، سوژه سخن است.



لاکان تحت تاثیر تفاسیر کوژو ۱ از هگل، اعتقاد دارد که جریان دایمی نفی دیالکتیکی در بازشناسی، گفتمان ارباب- بنده، سخن، و مرگ سوژه جریان دارد. (کالویانف، ۱۳۹۸: ۳۲). وی جریان دایمی نفی در سوژه را با مفهوم سوژه شکافته برجسته می سازد. سوژه ای که متشکل از دو بخش ناخودآگاه تحت کنترل دیگری بزرگ و خودآگاه می باشد. از نظر وی چون سوژه حول محور هویت یابی ۲ مفصل بندی می شود، "میل" به بازشناسی ۳ در صدر خواست هایی چون تملک، طلب عشق، و سایر نیازهای مادی قرار می گیرد. عناصر اصلی این مفصل بندی هم عبارتند از ساحت واقع ۴، ساحت خیالی ۵، و ساحت

1 -Alexander Kojève

2 -Identifying

3 -Recognition

4 - The order of Real

5- The order of Image

نمادین ۱ که به صورت "همزمان" در انسان موجودند. نکته لازم بذکر این که ساحت خیالی عرصه تأثیر دیگری های کوچک و ساحت نمادین عرصه تأثیر دیگری بزرگ یا زبان است.

در نظریات ضدجوهرگرایی لاکان شکل گیری سوژه از کودکی آغاز می گردد (Rojas.2021:142). به نظر وی مرحله آینه ای بین ۶-۱۸ ماهگی، مهمترین بخش رشد و اولین مرحله هویت یابی "خود ۲" می باشد. یعنی زمانی که کودک انعکاسی از خود را در آینه چهره والدین می بیند و میل به بازشناسی اش تحریک می شود. در مرحله آینه ای به عنوان بخشی از ساحت خیالی، منظومه بسیار پیچیده ای از مناسبات خود ارجاع و بیرونی سوژه حول موضوع شناسایی شکل می گیرد. اختلال در این مرحله موجب نقض هویت خیالی یا شناسی سوژه از خودش و اسکیزوفرنی می شود (Harari.2004:46). مرحله بعدی هویت یابی سوژه مربوط به دوره ادیپی است که ورود سوژه به ساحت نمادین را سبب می شود. در این مرحله، هویت یابی های خیالی سوژه متوقف نمی شود، بلکه عناصر منظومه خیالی هویت یابی از نو سامان می یابد. این عناصر عبارتند از: اگو(من)، سوپر اگو (فرامن)، پدر، مادر، و مرگ. در واقع مرحله ادیپی، مرحله گذار از هویت یابی "خیالی" به هویت یابی "نمادین" است (Lacan.1977:23). در مرحله ادیپی تصویر دیگری کوچک ۳ (پدر) تبدیل به نام پدر ۴ می شود که نماینده دیگری بزرگ نامرئی است و کارکرد قانونگذارانه مبهمی دارد. به عبارت ساده نام پدر حد و مرز ارتباط مجاز/غیر مجاز کودک با مادر را مشخص و انتقال سوژه به ساحت نمادین را میسر می سازد. لذا اوتیسم ناشی از اختلال در انتقال سوژه به ساحت نمادین در نظر گرفته می شود. از نظر لاکان هویت یابی دوره ادیپی، نوعی رابطه دیالکتیکی

1- The order of Symbol

2 -Self

3 -The other

4 -Name-of-the-Father

میان سوژه و دیگری بزرگ برقرار می سازد. به این ترتیب که دیگری بزرگ به عنوان خاستگاه "قانون نمادین" با دادن شأنی قانونی در نظم نمادین، سوژه را به رسمیت می شناسد. و سوژه نیز به نوبه خود مانند بنده هگلی به ابزار ساخت نمادین دیگری بزرگ تقلیل می یابد. در مرحله ادیپی و پس از آن، میل شناسایی در ارتباط با دیگری بزرگ ۱ شکل می گیرد. دیگری بزرگ مفهومی مبهم در آراء لاکان است که وی از آن، گاه برای اشاره به تصویر ولی بیشتر برای اشاره به کارکرد استفاده می کند. در واقع دیگری بزرگ نه شکل و تصویر نماینده قانون، بلکه کارکرد معینی است که منجر به ساخت ساحت نمادین یعنی زبان می شود (کالویانف، ۱۳۹۸: ۴۴). خلاصه فرآیند:

کودک - پدر-مادر ← کودک- نام پدر-دیگران ← فرد-سخن-چیزها ← سوژه-دیگری بزرگ-مرگ

با ورود سوژه به ساحت نمادین مهمترین موتور حرکت سوژه یعنی میل ۲ در او شکل می گیرد که در تمام فرآیند هویت یابی سوژه نقش محوری بر عهده دارد. توضیح اینکه وقتی انسان وارد ساحت نمادین می شود توانایی بیان نیاز ۳ را با کلمات پیدا می کند، این توانایی از نظر لاکان طلب ۴ نامیده می شود. نیاز از نظر لاکان همان مقتضیات زیستی، مثلاً غذا، و قابل رفع نمودن است. اما ارضا طلب مطلقاً ناممکن است. (Lacan, 1977: 311). طلب به دو شکل "داشتن" و "بودن" در سوژه همواره حضور دارد. وقتی خواست "داشتن" در سوژه سرکوب شود، خواست "بودن" در فرد شکل می گیرد. تغییر شکل طلب به میل همگام با تبدیل خواست داشتن به بودن حاصل می شود. اگر با ورود سوژه به ساحت نمادین میل در او بوجود نیاید به این معنی است که ساحت نمادین بر ساحت خیالی چیره نشده که در اینصورت فرد دچار روان پریشی افسردگی یا پارانویا می شود. میل به عنوان موتور حرکت سوژه همواره در جستجوی

1- The Other

2- Desire

3-Need

4- Demand

امر واقع ۱ می باشد. این امر واقع دست نیافتنی، در سوژه حفره ای ایجاد می کند که هیچگاه نمی توان آنرا پر نمود. سوژه همیشه احساس می کند که چیز بیشتری وجود دارد، که بدست نیاورده است. این چیز بیشتر فرد را فراتر از لذت ناچیزی که تجربه می کند، کشانده و ژوئیسانس می باشد (هومر، ۱۳۹۸: ۱۲۵). از نظر لاکان، سوژه همواره از فقدان ژوئیسانس در رنج است. (استاوراکاکیس، ۱۳۹۲: ۸۶). گاهی سوژه تصور می کند که موضوع میل را یافته و در پی آن می رود. این موضوع موقتی از نظر لاکان ابژه "آ" و یادآور ۲ لذت از دست رفته (ژوئیسانس) است (فینک، ۱۳۹۷: ۱۲۹).

ج) کارکرد دولت

از نظر لاکان سوژه با کمک ابژه "آ" و فانتزی ۳، همواره میل خود را برای تلاش و تکاپو حفظ می کند. اگر سوژه میلش را از دست بدهد، دچار افسردگی و اضطراب می گردد. در واقع فانتزی به سوژه کمک می کند تا با عدم رضایتش از امکان ناپذیری امر واقع کنار آید. فانتزی ترکیبی آگاهانه و ناخودآگاه از میل، فقدان، و دیگری بزرگ است. نکته لازم بذکر اینکه فانتزی صرفاً ماجراجوییهای خصوصی و شخصی نیست، بلکه بیشتر در قلمرو عمومی مثل رسانه ها تولید می شود. فانتزی های اجتماعی-ایدئولوژیک مثال معروف در این زمینه می باشند (Zizek, 1987: 53). لاکان با معرفی فانتزی به ما می گوید که چیزی تحت عنوان بازنمایی کاذب یا توهم آمیز واقعیت یا به اصطلاح ایدئولوژی وجود ندارد، بلکه خود واقعیت ایدئولوژیک گردیده است. به تعبیر روشنتر تصور اینکه می توان به آگاهی صادق از واقعیت دست یافت، اساساً ناممکن است. یعنی ایدئولوژی کارش این نیست که راهی برای گریز از واقعیت به ما نشان دهد، بلکه خود واقعیت اجتماعی را به عنوان راهی برای گریز از روان ضربه امر واقع به ما عرضه می کند (Zizek, 1987: 22). مفهوم واقعیت آناموفورمیک ۴ نزد لاکان اشاره به این امر

1 -Real order

2 -Rem(a)inder

3 -Fantasy

4 - Anamorphic

دارد. در واقع فانتزی در بنیادین ترین سطح اش به فرد می گوید برای دیگران چیست و چه اهمیتی دارد (Miller, 2014: 35). لاکان با فانتزی، تقابل متعارف میان ذهنی (سوژکتیو) و عینی (ابژکتیو) را از میان برمی دارد. فانتزی از نظر لاکان امری عینا ذهنی است^۱. به عبارت دیگر آنچه فرد به عنوان "واقعیت"^۲ (نه امر واقع) تجربه می کند، ساخته فانتزی است. (هومر، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

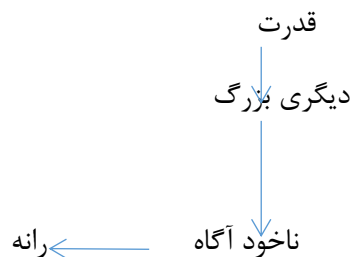
لازم بذکر است که از نظر لاکان دیگری بزرگ یا زبان مهمترین عنصر ساخت نمادین می باشد. وی سوژه را سوژه ناخودآگاه و تحت تاثیر زبان می داند. بر اساس نظرات زبانشناسانه لاکان، معنا نه از رابطه میان دال و مدلول، بلکه از اختلاف میان دالها بوجود می آید. وی برای پیشگیری از بروز دور و تسلسل در نظرات زبانی اش، مفهومی به نام نقطه کاپیتون^۳ را معرفی می کند (Lacan, 1955: 267). نقطه ای که تسلسل دالها را متوقف و معنا خلق می کند. به اعتقاد وی با در دست گرفتن نقطه کاپیتون می توان به کنترل معنا در زنجیره دالها پرداخته و ساخت نمادین را در اختیار گرفت. میل به هویت یابی که در مرحله ادیپی سوژه را به ساخت نمادین کشانده، او را در معرض دیگری بزرگ قرار می دهد. بدین سبب در نظریات جدید سیاست که به چرخش زبان معروف گردیده، زبان عرصه اعمال قدرت در نظر گرفته می شود. چرا که دولتها با در دست گرفتن کنترل دیگری بزرگ و همچنین با ساختن فانتزی سعی در کنترل ناخودآگاه و در نتیجه حکم-روانی^۴ سوژه دارند.

1 - Objectively subjective

2 - Reality

3 - Point de capiton

4 - Governmentality



بخش دوم

الف) هویت یابی سوژه "سود جو" در ایران

بعد از پیروزی انقلاب علیه نظام پهلوی در سال ۱۳۵۷، تمام تلاش به ساختن سوژه جدید شیعی-ایرانی معطوف گردید (محرمانی، برقی، ۱۴۰۲). برای تثبیت این سوژه جدید، تمام نشانه‌ها و سمپتوم‌های متعلق به دولت پهلوی از هنرپیشه‌ها و خوانندگان تا اسامی خیابانها حذف شدند. شرایط خاص جنگی زمینه مساعدی شد که حکومت انقلابی علاوه بر فرهنگ، سازماندهی نوعی اقتصاد متمرکز را در دست بگیرد تا مهمترین تصمیمات از قبیل تخصیص منابع، تثبیت قیمت‌ها، و سهمیه بندی کالاهای اساسی را اتخاذ نماید. در نتیجه این شرایط فرهنگی و اقتصادی، قدرت در دست حکومت جدید متمرکز شد. با پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۷ به دو علت روند تجمیع قدرت در دستان حکومت ادامه یافت. نخست نیاز به نوسازی و احیاء پتانسیل اقتصادی بود که برنامه ریزی متمرکز دولتی را ایجاب می نمود. علت دوم ایجاد نماد-هنجارهای دینی برای تثبیت الگوی مناسب ساخت سوژه شیعی-ایرانی بود. بعد از پایان یافتن جنگ، دولت وقت برای بازسازی اقتصادی از دست رفته به سمت سیاستهای بازار آزاد چرخید. در ایران بعد از انقلاب

گرایش به بازار آزاد و شروع برنامه های لیبرالی برای تعدیل نوعی مصلحت دولت از پیش موجود، نبود. بلکه برنامه یک نظام نوپای ده ساله بود که بیشتر مدت با مسائل خارجی و جنگ سر و کار داشت. این چرخش به سمت بازار به مثابه ابزاری برای پایه گذاری و مشروعیت بخشی برای دولت جدید بکار گرفته شد. این شرایط را می توان به آلمان پس از جنگ جهانی دوم تشبیه نمود. جایی که بازار آزاد برای دولت تازه تاسیس مشروعیت فراهم نمود (فوکو، ۱۳۹۸: ۲۹۶). هدف دولت سازندگی از آزاد سازی اقتصاد این بود که بازار به شکل طبیعی نوع تولید، مالیات، قواعد فروش، و از همه مهمتر قیمت ها را تنظیم کند. برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ایران که در شرایط خاص سال ۱۳۶۷ و با فقدان اطلاعات و آمار دقیق تهیه شد، برنامه ای به منظور راه اندازی اقتصاد و سوق دادن آن به طرف اقتصاد لیبرال بود. (شیرزادی، ۱۳۸۸). نظام سیاسی از یک سو سعی داشت زمام تمام امور را در دست داشته باشد تا ساخت سوژه ایرانی-شیعی را به انجام برساند. از سوی دیگر به بازار میدان می داد تا در سایه توفیقات آن برای اقداماتش مقبولیت کسب نماید. چرا که بهبود شرایط معیشتی می توانست به ابزاری برای سنجش و ارزیابی عملکرد ساختارها و حقانیت آن تبدیل شود. اما گرایش به بازار به جای آزاد سازی اقتصادی در ایران به دلیل ضرورتهای سازمانی و اجتماعی، موجب تمرکز و امتزاج اقتصاد با مراکز تصمیم گیری و در نهایت اقتصاد برنامه ای شد. کنترل ناپذیری، نامعین بودن، و احاطه ناپذیر بودن شرایط محیطی در اقتصاد برنامه ای، سلسله ای از خطاهای عمده اقتصادی در پی دارد که دولت ها تلاش می کنند با سرکوب آزادی های اساسی و تشدید برنامه ریزی، برخی از آن خطاها را جبران نماید (شومپتر، ۱۳۷۵: ۱۶۷). در حالی که برنامه ریزی مجدد، خطای دیگری در پی دارد و دولت را اسیر دور باطل برنامه ریزی می کند. برای پرهیز از این دور باطل، حکومت های توسعه یافته تنها به تصویب قوانین نظارتی برای تسهیل فعالیت اقتصادی بسنده می کنند. چرا که اقتصاد فرآیندی مکانیکی یا طبیعی نیست، بلکه مجموعه فعالیت هایی است که تحقق آنها نیازمند چارچوب های نهادی و قواعد موضوعه می باشد. یک اقتصاد مولد درون چارچوب حقوقی ای شکل می گیرد که حقوق مالکیت، معاهدات،

حقوق انحصاری معنوی (کپی رایت)، ورشکستگی، جایگاه انجمن های حرفه ای و مجامع اداری، ارز و بانکداری توسط نظام حقوقی تثبیت شده باشد (Euken.1950:124). موارد مزبور هیچ کدام ماهیت طبیعی ندارند بلکه مخلوق مشروط عرصه قانونگذاری می باشند.

اقتصاد برنامه ای دولتهای بعد از انقلاب را در اقداماتی مانند مصادره اموال ، سرکوب قیمت ارز ، بانکداری دولتی، و تعزیزات حکومتی می توان مشاهده نمود. این اقدامات به جای رونق اقتصادی به نتایجی چون ایجاد انحصارات و ظهور طبقه الیگارش، مدیریت دولتی کارخانجات و افت بهره وری، نقض مالکیت خصوصی و فرار سرمایه، افزایش واردات و ورشکستگی تولید ، بانکداری غیر علمی و رشد نقدینگی در کشور انجامید. آنچه در ضمن تحولات فوق حایز اهمیت است ، رواج مفهوم همبسته بازار یعنی "اصل سودمندی "در جامعه و کل ساختارهای اجتماعی از جمله ساختار سیاسی بود. مفهومی مخالف با فضیلت که در سالهای منتهی به انقلاب و در زمان جنگ، مهمترین علت میل سوژه ایرانی را تشکیل می داد. اصل سودمندی در جامعه رواج یافت و حتی به بنیان خرد نظام سیاسی هم سرایت کرد. بتدریج محاسبه نتیجه به معنای جلب منفعت و دفع مضرت یا همان مصلحت به اصل اساسی بدل شد. در نتیجه اصل مصلحت، حفظ نظام به عنوان برترین منفعت شناخته شد، به قسمی که حفظ آن اوجب واجبات گردید. به تعبیر دیگر حکومت علت وجودی خودش شد. این تحول سبب گردید از میانه دهه ۶۰ "مصلحت" به جایگاه نقطه کاپیتون زنجیره دال ارتقاء یابد. شکل گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۶ و افزایش دامنه اختیارات آن گواه این تحول می باشد. با تثبیت شدن "مصلحت" به عنوان نقطه کاپیتون، زنجیره دالها در ناخودآگاه سوژه ایرانی نظام دیگری یافت. سوژه ایرانی ژوئیسانس خود را در کسب هر چه بیشتر سود می جست. یعنی سود جویی مهمترین رانه سوژه برای عمل شد . این فرآیند سوژه جدیدی به نام سوژه سودجو در ایران پدید آورد. سوژه ای که با قرار گرفتن اصل مصلحت در ناخودآگاهش، منفعت مبنای اعمالش شد.

لاکان پروسه ای را که سوژه به شکل خود به خود ۱ تحت تاثیر دیگری بزرگ قرار می گیرد، "بیگانه شدگی" ۲ می نامد. در این فرآیند، سوژه خود را به دال های ساحت نمادین الصاق نموده و از طریق این همانی با آن، هویت ۳ خود را شکل می دهد (هومر، ۱۳۹۸: ۶۷).

اگر رقابت و سودجویی بدون پشتوانه یک جامعه مدنی قوی به نظام اجتماعی و اخلاقی سرایت نماید، بیش از وحدت موجب گسست می شود (Ropke.1948:236). اهمیت جامعه مدنی در این است که شرایط هماهنگ شدن ساختار حقوقی با ساختار اقتصادی را مهیا کرده و حدود رفتار افراد را مشخص می نماید. در جامعه مدنی هر عضو برحسب سودی که به کل جامعه می رساند، "میل" به بازشناسایی اش ارضاء می شود. در چنین جامعه ای به جای اینکه افراد به شکل مجزا درصدد انباشت سود و کسب شناسایی باشند، بسته به مکان درستی که اشغال کرده و اثر بایسته ای که تولید می کنند، شناسایی می شوند (فوکو، ۱۳۸۹: ۳۹۷). حاکمیت قانون مهمترین قاعده جامعه مدنی است که عمل به آن اخلاق اجتماعی ۴ و قاعده رفتار جمعی را می سازد.

ب) ظهور سوژه سودجو در دولت دهم

انشعاب گروهی از فن سالاران دولت سازندگی تحت عنوان کارگزاران سازندگی در سال ۱۳۷۴ از شکاف میان صاحبان قدرت برسر موضوع میزان دخالت دولت در اقتصاد حکایت می کرد (https://donya-e- eqtesad.com/16/3310426). بتدریج این اختلاف گسترده شد تا اینکه به جای دوگانه اقتصاد آزاد/ اقتصاد برنامه ای، نیروها حول محور آزادی/ دین

1 -Automatic

2 -Alienation

3 -Identification

4 -ethic

صف آرائی نمودند. سوژه ای که در ناخودآگاهش سازوکار بازار آزاد استقرار یافته بود، به مفهوم همبسته آن یعنی آزادی متمایل بود. جریان معروف به اصلاح طلب با تاکید بر آزادی موفق شد توجه سوژه جدید را جلب نمود و قدرت را بدست گیرد. در دهه ۷۰ ناهمسازی میان منطق فضیلت جویی با سودجویی به تدریج افزایش یافت ولی به دلیل تلاش دولت هفتم برای ترویج قانون گرایی و استقرار جامعه مدنی، زمینه ظهور آشکار سوژه سودجو فراهم نبود. بدین سبب است که در آن دهه شاهد معدود پروندهای پرسرو صدایی مانند اختلاس فاضل خداداد (۱۳۷۴) و شهرام جزایری (۱۳۸۱) هستیم.

از میانه دهه ۸۰ در نتیجه افزایش تنش هسته ای و تشدید تحریم ها، درآمدهای نفتی کاهش محسوسی یافت به قسمی که دیگر نمی توانست مشکلات پیش آمده از اقتصاد برنامه ای را رفع نماید. لذا نیاز به دولتی بود که به تعبیر اشمیت با تثبیت "وضعیت استثنایی"، امر سیاسی را کاملاً در کنترل خود درآورد (اشمیت، ۱۳۹۲، ۷۲). به عبارت روشنتر دولتی که بتواند با معرفی صریح دوست و دشمن شرایط را برای سرکوب هر نوع مخالفتی مهیا سازد. در چنین فضایی جریان موسوم به آبادگران ظاهر شد. مهمترین اقدامات این جریان که کنترل شهرداری تهران را در دست داشت، حمایت از مداحان، و برگزاری پرشکوه مراسم مذهبی به منظور تقویت نماد-هنجارها و تثبیت فانتزی هایش بود. این جریان با وعده یارانه و توزیع پول نفت و ریشه کنی فساد، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ به پیروزی رسید. دولت نهم با حمایت همه جانبه اصحاب قدرت، صریحاً دولت پیش از خود را به عنوان سمپتوم فانتزی و عامل فساد معرفی نمود. البته هر دولتی تلاش می کند تا انحصار بر امر سیاسی یعنی تعریف دوست و دشمن را بدست گیرد. چرا که در غیر اینصورت باید جایش را به دولت دیگری واگذار نماید (اشمیت، ۱۳۹۲: ۷۸). در این راستا دولت دهم برای تثبیت فانتزی اش با معرفی مصادیق عینی داخلی به عنوان عامل فساد، امر سیاسی را به شکل جدیدی روایت کرد. یعنی به جای دشمنان خارجی که از ابتدای انقلاب به عنوان مانع موفقیت معرفی گردیده بودند، این دولت نفرت را به سمت افرادی مشخصی در داخل هدایت

نمود. در این میان رئیس دولت دهم بواسطه ارتباط خودخوانده با امام عصر، موهبت قوه تمیز برای خودش قائل بود. این ادعای در داستان هاله نور و ادعای ارتباط با امام زمان قابل مشاهده می باشد (<https://www.asriran.com/fa/news/650363>). بواسطه ترسیم مرز میان دوست و دشمن، رئیس دولت دهم برای خودش حق عدم تساهل بوجود آورد. اقدام دولت دهم در تعیین خانواده و اطرافیان آیت الله هاشمی رفسنجانی و حجه الاسلام ناطق نوری به عنوان مصادیق داخلی سمپتوم و تلاش برای حذف آنها مثالی از ایمن وضعیت است (<https://www.khabaronline.ir/news/1864600>). وضعیتی مشابه شرایطی که حکومت نازی با دشمن خواندن یهودیان برای آنها بوجود آورد. رئیس دولت دهم در مناظرات انتخاباتی نشان داد که تنها به فکر پیروزی بر رقبای سیاسی نیست، بلکه با معرفی آنها به عنوان عامل فساد، در صدد "نابودیشان" می باشد. دولت دهم با رؤیت پذیر کردن دشمن نادیدنی، جامعه را به دو بخش دوست و دشمن تقسیم و بر شدت پیوستگی و گسستگی افزود. به این سبب در آن تاریخ جامعه بشدت قطبی شده بود. این دولت با آشکار کردن چهره دشمن در صدد برآمد آن را با هر وسیله ممکن از بین ببرد و جامعه یکدستی بسازد. لذا تقابل به جای تعامل اجتماعی هنجار سازی شد و حذف "دیگری"، طبیعتی پذیرفتنی یافت. به تعبیر روانشناختی هنگامی که سائقه مرگ در سوژه با سیاست حذف "دیگری"، تقویت گردد، چنین سوژه ای لذت و خشنودی را در از میان بردن دیگری جستجو می کند (فروید، ۱۳۸۳: ۵۴). بدین ترتیب ضرورتی برای رعایت اخلاق و قانون به عنوان ارکان زندگی مدنی که در آن لذت ناشی از تفاهم است، باقی نمی ماند. این روند در نهایت به رکن اساسی فرهنگ یعنی زبان به عنوان ابزار تفاهم، آسیب می زند (Suarez, 2021: 77). از اینروست که در جامعه قطبی شده، گفتگو و مذاکره ارجی ندارد و در عوض خشونت رواج می یابد. این امر را می توان به عنوان یکی از عوامل قرار دادن ایران در رده سومین کشور عصبانی جهان در نظر

گرفت (https://donya-e-eqtesad.com/62/3863492). خلاصه اقدامات دولت دهم موجب آسیب زدن به قانون شد. در نتیجه به جای جامعه مدنی-قانونی متشکل از افراد قانونگرا، زمینه برای ظهور سوژه آزاد از محدودیت قانونی، فراهم آمد.

در واقع سیاست های دولت دهم به جای اصلاح طرف عرضه یعنی تولید سوژه سود جو، شرایط ظاهر شدن آنرا تسهیل نمود. برنامه های پوپولیستی دولت دهم منجر به تضعیف جامعه مدنی به عنوان راهکار مدیریت سوژه سودجو و در مقابل، تقویت جامعه توده ای گردید. با تضعیف جامعه مدنی توسط دولت دهم، تنها راهکار ارضاء میل سوژه یعنی کسب شناسایی و ایفای نقش اجتماعی در جامعه از میان می رود. این امر سبب می شود تا به تعبیر لاکان، سوژه در مرحله "داشتن" تثبیت شده و به مرحله "بودن" نرسد. چنین سوژه ای برای بدست آوردن ژوئیسانس، تمام توانش را معطوف به "داشتن" می کند. از نظر لاکان سوژه در مرحله جداشدگی و بودن صاحب میل می شود و تنها در صورت کسب شناسایی است که این میل ارضا شده و ژوئیسانس حاصل می شود. در غیر اینصورت سوژه ژوئیسانس خود را در اندوختن و داشتن می جوید و چون به آن نمی رسد به تصور یافتن آن در داشتن بیشتر، اسیر دور باطل داشتن شده و در نهایت به موجودی حریص و آزمند بدل می گردد. بدین سبب مشاهده می شود در جامعه امروز ایران، هدف افراد "داشتن" و تفاخر هر چه بیشتر است. هدفی که موجب تمایز و اختلاف بیشتر میان اعضای جامعه گردیده و همگنی و یکدلی میان مردم را از بین برده است. فسادهای کلان افرادی چون بابک زنجانی (منتهی به ۱۳۹۰)، محمود خاوری (منتهی به ۱۳۹۰)، بانک آریا (۱۳۹۰)، تامین اجتماعی (۱۳۹۱)، فروش سوالات کنکور (۱۳۹۱)، تخلف بیمه ایران (۱۳۹۲)، پدیده شانديز (۱۳۹۳)، اختلاس در بنیاد شهید (۱۳۹۲) ماجرای دکل نفتی (۱۳۹۴)، ماجرای بانک سرمایه (۱۳۹۵)، ماجرای پتروشیمی (۱۳۹۷)، حسن رعیت (۱۳۹۸)، پرونده کروز

و گروه عظام خودرو (۱۳۹۹)، فولاد مبارکه (۱۴۰۱) و اخیراً پرونده فساد چای دبش (۱۴۰۲) نمونه کوچکی از مشهودترین شکل سودجویی در کشور می باشد.

سازوکار بازار در غیاب جامعه مدنی طی دهه منتهی به سال ۱۳۸۰، زمینه شکل گیری سوژه سودجو در کشور را مهیا کرده بود ولی عملکرد دولت دهم در از بین بردن جامعه مدنی، زمینه ظهور آشکار این سوژه در عرصه اجتماعی را فراهم نمود. نشانه تضعیف قانون و جامعه مدنی در دولت دهم، بی توجهی به نظام بوروکراتیک است. انحلال سازمان برنامه و بودجه و ادغام وزارتخانه های راه، صنعت و ورزش شهادت این امر را می دهد (https://boursepress.ir/news/51742). در مقابل دولت بهار با هدف جلب حمایت طبقات محروم، حق دولت برای بهنجار سازی و تنظیم اجتماعی را برای نخستین بار به مجموعه وسیعی از مردم اعطا نمود. یعنی هر یک از افراد جامعه در مقابل هموعانش از قدرت انضباط و بهنجار سازی (زندگی/مرگ) تحت عنوان مبارزه با فساد برخوردار شد. سفرهای استانی و درخواستهایی که مردم مستقیم به رییس دولت دهم می نوشتند، شاهدی بر این ادعا می باشد. در واقع هدف دولت بهار این بود که با تثبیت نماد-هنجارهای مطلوبش در ناخودآگاه سوژه، یک اجتماع همگن و بهنجار بوجود آورد. در حالی که برعکس حاصلی جز فرقه گرایی و قطبی شدن جامعه در پی نداشت. برای اثبات اینکه سیاست های دولت دهم موجب آشکار شدن رفتارهای سودجویانه شد، می توان به آمار ناهنجاریهایی کشور از قبیل طلاق، اعتیاد، سقط جنین، تنانگی، و ارتشاء در دهه ۹۰ اشاره نمود (https://tejaratnews.com/46/833025). نهاد خانواده به عنوان محوری ترین رکن نظام اجتماعی به دلیل رهیافت سودجویانه بشدت آسیب دیده است. به این معنی که از نظر سوژه سودجو خانواده عبارتست از تعهد قراردادی دو شریک برای عرضه منابع خود و بهرمندی از منافع آن (Migue.1977:224). این رویکرد موجب کاهش میل به ازدواج و فرزند آوری و افزایش آمار طلاق گردیده است.

قطبی شدن جامعه زمینه ساز اعتراضات مردم طی سال ۸۸ و دهه ۹۰ بود. اعتراضاتی که ناکارکردی فانتزی دولت دهم برای بهنجار سازی سوژه را آشکار نمود (محرمانی . برقی، ۱۴۰۲). در تحلیل لاکان گفتمان ارباب با تکیه بر گفتمان دانشگاه بقای خود را تداوم می بخشد (Lacan, 1977:217). شاید از اینرو بود که این دولت برای غلبه بر اعتراضات پس از سال ۸۸ سعی نمود تا با فشار بر دانشگاه ، این نهاد را برای حمایت از فانتزی هایش تحت انقیاد خود درآورد. اخراج و جایگزین نمودن اساتید دگر اندیش، برگزاری دوره های اجباری "بصیرت" افزایشی برای اساتید، افزایش بی ضابطه پذیرش دانشجو در دانشگاهها ، و تدوین کتب جدید علوم انسانی از جمله این اقدامات بود. در واقع جایگزین شدن سلیقه های فراقانونی در پذیرش استاد و دانشجو، موجب ورود افراد غیر مجرب به دانشگاه و به تعبیری تقویت طرف تقاضای سودجویی در این نهاد شد. . مقاله ، پایان نامه ، و مدرک فروشی در اثر تقاضای سوژه سود جوی دانشگاهی در این دوره به شکل بی سابقه ای افزایش یافت (<https://www.mashreghnews.ir/news/1154815>).

ج (پیش بینی طغیان سوژه ایرانی

در انتها می توان ناآرامی های رو به گسترش جامعه را با توجه به مفهوم سوژه شکافته تحلیل نمود. سوژه شکافته لاکان، بر خلاف نظریات ساختارگرایانه کاملاً در ساختار هضم و جذب نمی شود. یعنی بخشی از سوژه ناخودآگاهانه در ساحت نمادین دیگری بزرگ ساخته می شود ولی بخش دیگر سوژه آگاه است از اینکه در ساحت نمادین قرار دارد. مثلاً وقتی که فرد می گوید ما سه برادر و خواهریم؛ فاطمه، اکبر، و من. این فرد هم به واسطه نظام نمادین ریاضی حاکم بر ناخودآگاهش شمرده می شود، در عین حال آگاه است که خودش (من) عمل شمارش را انجام می دهد. از نظر لاکان سوژه در مرحله اول هویت یابی در نظام نمادین ، بیگانه شده ۱ و تحت گفتمان دیگری بزرگ قرار می گیرد. در مرحله بیگانه شدگی است که سوژه تبدیل به موجود سخن گو می شود. سوژه

شکافته وقتی متوجه فقدان در دیگری بزرگ می شود، مرحله دوم یعنی جداسازی آغاز می گردد. در جدا سازی ۱؛ مفهومی که لاکان در اواسط دهه شصت ساخت، سوژه از لابلای شکاف های دیگری بزرگ سربرآورده و از انطباق کامل و مکانیکی با دیگری بزرگ سرباز می زند (Lacan.1977:185). جداسازی در فرایندی که کودک با "چرا" های بی شمار خود را از ما-در ۲ تفکیک می کند، قابل مشاهده است. این پرسش های کودکانه به منظور دانستن نیست، بلکه بدین وسیله می خواهد میزان اهمیت خود نزد دیگری را دریابد. در غیر اینصورت ممکن است که میلش خاموش و به سوی نیست شدن ۳ برود. بیماری آنورکسی یا بی اشتهاپی مفرط عصبی نتیجه این حالت می باشد.

بدین ترتیب مشاهده می شود که از نظر لاکان، دیگری بزرگ بر ناخودآگاه سوژه مسلط است ولی سوژه کاملاً منحل در دیگری بزرگ نیست. وی فرآیند جداسازی سوژه را با مکانیزم زمان منطق دال توضیح می دهد. منظور اینست که فهم سوژه متفاوت از زمان بندی کلاسیک، تابع رابطه تک خطی نیست (Lacan.1988:8). در منطق تک خطی مراحل درک یک موضوع به این ترتیب تصور می شود. ۱- لحظه دیدن ۲- مرحله فهمیدن ۳- لحظه نتیجه گیری. اما در زمان بندی منطق دال، اثر اولین واژه فقط پس از شنیدن یا خواندن آخرین واژه در جمله مشخص می شود. به همین سبب لاکان معتقد است سوژه همواره در زنجیره دلالتگری بوجود می آید. وی سوژه را در ساختار زبانی "عینی" ۴ حذف نمی کند، بلکه آنرا دایم در حال رسیدن می داند (Harari.2004.260). بر اساس زمان منطقی لاکان، مرحله نتیجه گیری

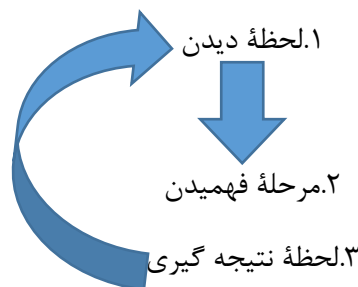
1 Separation

2 -(m)Other

3 -Become nothing

4 -Objective

هنگام وقفه ها به مرحله فهمیدن رسوخ می کند و آنرا تحت تاثیر قرار می دهد. مطابق شکل زیر:



رابطه دیالکتیکی میان سوژه و دال، اثر دلالت را هم برای دال و هم برای سوژه در معرض جابه جا شدن دائمی قرار می دهد. به این شکل که گاهی دال اثرش را بر سوژه تحمیل می کند و گاهی هم سوژه به دال معنا می بخشد.

خلاصه از نظر لاکان سوژه سه مرحله را طی می کند؛ ۱- مرحله بیگانه شدگی که در آن دیگری بر سوژه مسلط می شود و جایگاه او را تصاحب می کند. ۲- جدا سازی که میل دیگری در نقش ابژه کوچک آ اهمیت پیدا می کند و سوژه سعی می کند میل دیگری را متوجه خود سازد. ۳- گذر از فانتزی که سوژه از علت وجود خود (میل دیگری) سوژه پردازی ۱ می کند و به گونه ای از میل بودن ناب فاقد موضوع دست می یابد و خودش در قبال دیگری اتخاذ موقعیت می کند. مطابق این مراحل ۱- سوژه ایرانی که توسط ساحت نمادین دیگری بزرگ بیگانه شده، به سوژه سود جو بدل گشت. ۲- عده ای از سوژه ها در مرحله بیگانه شدگی باقی مانده ولی عده دیگر از مرحله بیگانه شدگی عبور کرده و سعی در جدا شدن از دیگری بزرگ می نماید. در این مرحله سوژه جدا شده می خواهد مورد توجه دیگری بزرگ قرار بگیرد. ۳- سوژه ایرانی به ضعف فانتزی آگاه شده و به میل بودن ناب دست یافته و در قبال دیگری بزرگ اتخاذ موضع می کند. اعتراضات رو به افزایش دهه اخیر نتیجه این تحول است.

خلاصه و نتیجه

برترین تعبیر برای معرفی لاکان، سخن یاکوبسن است که نظریات وی را "خوانش هگلی فروید" معرفی نمود (Jacobsen, 1991:29). نقطه عزیمت لاکان توجه به وجه واسطه گر و منفی ساز سخن است. به اعتقاد وی کلمه مهلک است چرا که بازنمایش، در اصل پدیده ها را نفی می کند. لاکان این ویژگی منفی ساز سخن را از ناپدید ساختن صرف مرجع و مصداق سخن، به ناپدید ساختن فرستنده و گیرنده سخن گسترش می دهد. نکته مهمتر اینکه لاکان این فرمول را در مورد ناخودآگاه نیز بکار می برد، لذا برای ناخودآگاه ساختاری شبیه زبان در نظر می گیرد. نزد وی ناخودآگاه گفتار دیگری بزرگ است (Lacan, 1977:193) غیر هستی شناختی بودن و منفیت گرایی شدید، دو ویژگی خاص دیالکتیک لاکانی است. تمام تغییراتی که او در ساختار، کارکرد، و دیالکتیک هگل وارد می کند، تحت تاثیر ایندو ویژگی می باشد. این نظر او به چرخش علوم انسانی از هستی شناسی به موضوع زبان در قرن بیستم مربوط می باشد. تغییر جهتی که با ظهور پسا مدرنیسم فلسفی در نیمه دوم قرن بیستم شدت گرفت (کالویانف، ۱۳۹۸: ۷۹). خلاصه اینکه لاکان اعتقادی به سوژه خودمختار انسانی ندارد (لاکان، ۱۳۹۵: ۶۹). از نظر وی خودآگاهی سوژه تصویری گمراه کننده است. زیرا آن جنبه از سوژه که به نظر می رسد در عمل کسب آگاهی روشن و واضح عمل می کند، فقط با وارد شدن به بازی ابژه ای خاص شروع می شود. به تعبیر دیگر نمی توان سوژه را به صرف موجود عاقل آگاه فروکاست و سوژه لاکانی همان فردیت آدمی نیست. این روانشناس فرانسوی با تعبیر معرفت آنامورفورمیک نشان می دهد نگاه سوژه به خود و پیرامون، همواره تحت تاثیر ساختار زبان می باشد

با توجه به تحلیل سوژه ایرانی بر اساس چارچوب نظری فوق، این مقاله به نتیجه رسید که دولت دهم با تضعیف جامعه مدنی زمینه مساعدی برای ظهور آشکار سوژه سودجو فراهم نمود. جامعه مدنی به عنوان میدانی برای نقش آفرینی در اداره کشور، سبب می شود تا مهمترین میل سوژه یعنی شناسایی ارضاء گردد. در غیر اینصورت سوژه از رسیدن به مرحله "بودن" بازمانده و در

مرحله "داشتن" متوقف می شود. چنین سوژه ای تمام توانش معطوف به "داشتن" می شود تا به ژوئیسانس برسد. اما چون تنها با ارضای میل شناسایی ژوئیسانس حاصل می شود، این سوژه هیچگاه آنرا نمی چشد. از اینرو داریم حول محور بدست آوردن منبع جدید می چرخد به این امید که شاید این منبع جدید، ژوئیسانس را برایش فراهم نماید. این دور باطل حاصلی جز حرص بیشتر و ظهور سوژه سودجو تر ندارد. بدین سبب که در جامعه امروز ایران بسیاری از افراد تمام تلاش خود را برای "داشتن" هر چه بیشتر صرف می کند که افزایش آمار تخلفات مالی و انحرافات اخلاقی ناشی از آن می باشد. در مقابل دولت دهم به جای مدیریت و اصلاح طرف عرضه یعنی ساز و کار سود جویی، با تعیین مصادیق داخلی سمپتوم به عنوان عوامل فساد و تلاش برای نابودی آنها، به مقابله با طرف تقاضا پرداخت. در نتیجه رابطه جنگی مناسبات قدرت را دارای مصادیق روشن داخلی و طبیعتی پذیرفتنی نمود.

پیش بینی این نوشتار این است که گروه اندکی از سوژه ها از مرحله بیگانه شدگی عبور کرده و وارد مرحله جداسدگی می شوند. میل "بودن" در این گروه پدیدار شده و تلاش می کند تا موضوع میل دیگری گردد. رفتارهای اعتراضی این سوژه مانند سوالات دوره کودکی، برای دریافتن این است که چه میزان مورد توجه میل دیگری قرار گرفته است. چنین رفتارهایی در افزایش مقابله با نماد-هنجارهای حاکم به خصوص در میان جوانان خبر از روند افزایشی اعتراض در آینده می دهد.

پیشنهاد می گردد با تقویت جامعه مدنی و تثبیت قانون به مدیریت بهینه فضایی که با واقعیتی به نام سوژه سود جو اشغال شده، اقدام گردد. برای ایجاد چنین جامعه ای باید سازوکاری شبیه ساز و کار منافع پدید آید تا سوژه های سودجو را به هم مرتبط نماید به قسمی که اهمیت هر عضو برحسب سودی که به کل جامعه می رساند، سنجیده شود. در چنین جامعه ای هر فرد تا جایی خوب است که مکان خود را بدرستی اشغال کرده و اثری که بایسته است، تولید کند. بدین ترتیب سعادت افراد هدف اصلی جامعه شده و بین کل و جز رابطه متقابل برقرار می گردد. در غیر اینصورت هر نوع همگن سازی از طریق

تبلیغ فائزتی های دولتی نه تنها موفقیتی در بر ندارد، بلکه محملی مناسب برای ریاکاری و تقاضای سودجویی فراهم می آورد. تنها راهکار ایجاد جامعه مدنی و ارتقاء سوژه از مرحله داشتن به بودن، ایجاد فضای مناسب برای گفتگوی آزادانه است. در غیر اینصورت زبان، مهمترین عنصر زندگی جمعی بشدت آسیب خواهد دید و به تبع آن نظام اجتماعی هم در معرض تهدید خواهد بود. گفتگو با شهروندان، میل شناسایی آنان را تامین می کند. چرا که درمی یابند موضوع میل و توجه دیگری بزرگ می باشند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Fariborz mohramkhani  <http://orcid.org/0000-0001-7440-1454>

منابع

_ استاوراکاکیس یانیس ، (۱۳۹۲) ، لاکان و / امر سیاسی، ترجمه جعفری محمد علی ، نشر ققنوس.

-اشمیت کارل، (۱۳۹۲)، الهیات سیاسی، ترجمه لیلا چمن خواه. انتشاراتی نگاه معاصر.

_بروس فینک ، (۱۳۹۷) ، سوژه لکانی بین زبان و ژوئیسانس، ترجمه جعفری محمد علی، نشر ققنوس.

-باقری محمد ، مختاری علی ، اکوانی حمداله ، حقیقت صادق (۱۴۰۰) « رابطه سوژه لکانی و شکل گیری نظریه های شکست جنبش مشروطه » نشریه پژوهش سیاست نظری ، دوره جدید شماره ۲۹.

__تربتی، سرونز ، (۱۳۹۶) ، « برساخت فانتزی و تحلیل سوژه ی هیستریک درگفتمان فیسبوک با تاکید بر ابژه ی نگاه خیره»، شناخت شماره ۷۷.

__ژیژک اسلاوی ، (۱۳۹۵) ، لاکان به روایت ژریژک، ترجمه فتاح محمدی ، نشر هزاره سوم.

__سردارنیا خلیل اله ، البرزی هنگامه، (۱۴۰۱) « تحلیل اعتراضات صنفی – اجتماعی اخیر در ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) از منظر سیاست خیابان» فصلنامه علمی پژوهش های راهبردی سیاست، دور ۱۱ شماره ۴۴

__ سهرابی مه سیما ، تاجیک محمدرضا ، میر احمدی منصور ، (۱۴۰۰) « روان کاوی سیاسی و گفتمان: گزاره های تروماتیک و سوژه های هیستریک درگفتمان نواصلاح طلبی (۱۳۹۲ – ۱۳۹۸) » پژوهش های سیاست نظری ، شماره ۲۹ دوره ۱۵.

-شولتز.(۱۳۷۸) تاریخ روانشناسی نوین.ترجمه علی اکبر سیف و همکاران. نشر دوران.تهران

- شومپیتر ، جوزف. کاپیتالیسیم، سوسیالیسم، دموکراسی. ترجمه حسن منصور.نشر مرکز

- شیرزادی رضا ، (۱۳۸۸) « برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی » فصلنامه تخصصی علوم سیاسی ، شماره ۱۱ .

- خدابخشی لیلا ، خالدی احسان،آسوده رضا ، (۱۳۹۷) ، « مقایسه شاخصهای عملکرد اقتصادی دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد با حسن روحانی » فصلنامه راهبرد سیاست ، دوره ۲ شماره ۷.

__ جاست جان تی و جیم سیدانیوس،(۱۳۹۷)، روان شناسی سیاسی، مترجمان محمد رضا جلالی و محمد سعدی،ناشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات،تهران

__چراغی حسین ، مقصودی مجتبی، نظری، علی اشرف ، (۱۴۰۰) « رویکرد جنبش های اجتماعی و سندیکاهاى کارگرى پس از انقلاب اسلامى ایران » پژوهشهای سیاسى جهان اسلام ، شماره ۴۱ .

__حسین پور روح اله ، رشیدی احمد ، (۱۴۰۰) « اعتراضات دى ماه ۹۶ از من ر تئورى جامعه شبکه اى » فصلنامه علمى پژوهش های راهبردى سیاست، دور ۱۰ شماره ۳۹

__فروید زیگموند (۱۳۷۹)، آسیب شناسی روانی زندگى روزمره، ترجمه محمد حسین وقار، انتشارات اطلاعات، تهران

__فروید زیگموند (۱۳۹۳). روانکاوى لئوناردو داوینچی، ترجمه پدرام راستى، انتشارات ناهید.

__فروید زیگموند (۱۳۸۳). تمدن و ناخوشى های آن. ترجمه امید مهرگان. گام نو. تهران

__فوکو میشل، (۱۳۸۹). تولد زیست سیاست، ترجمه رضا نجف زاده، نشر نی.

__فوکو میشل، (۱۳۸۹)، باید از جامعه دفاع کرد، ترجمه رضا نجف زاده، نشر رخ داد نو،

__کالویانف رادوستین (۱۳۹۸). هگل. کوژو. لاکان دگرديسى های دیالکتیک، ترجمه احسان کریمخانی، نشر علمى-فرهنگى

__لاکان ژاک، (۱۳۹۵). اضطراب، ترجمه صبا راستکار، انتشارات پندار تابان

__محرمخانی فریبرز ، برقى محسن ، (۱۴۰۲) «واکاوى هیستریک شدن سوژه ایرانى در دهه گذشته بر اساس نظریه لاکان» فصلنامه علمى پژوهش های راهبردى سیاست ، مهر ۱۴۰۲

__نیکونهاد ایوب، فتحى محمدجواد ، (۱۳۹۹) « بررسى کارکردها و تأثیرات رسانه های نوین برمعنا وکنش جنبش های اجتماعى جدید » جامعه فرهنگ و رسانه، شماره ۳۶.

__نوروزپور، مرتضى ، (۱۳۹۸) « تحلیل اعتراض های سیاسى دى ماه ۱۳۹۶ » پژوهشنامه علوم سیاسى، شماره ۵۶.

__ هومر شون ، (۱۳۹۸) ، ژاک لاکان ، ترجمه جعفرى محمد علی، طاهائى سید محمد ابراهیم ، نشر ققنوس .

- .
- Cvetkovich, Ann, (2012) *Depression a public feeling...* Duke Univrcity prss Durhan & London
- Euken. W.(1950) *The Foundations of Economics: History and theory in the analysis of economic reality*. Trans by T.W Hutchison. London. William Hodge
- Hiro, D, (1985), *Iran under the Ayatollahs*, London: Routledge & Kegan Paul plc.
- Jahanbegloo, R, (2013), *Democracy in Iran*, London and New York: Palgrave MacMillan.
- Katouzian, H, (2003), *Iranian History and Politics: The Dialectic of State and Society*. London and New York: Routledge Curzon.
- Rajbar, Simon, (2018) “, *Iran as a Symptom: A Psychoanalytic Critique of the Ideological Structure in the Islamic Republic*”: Cardiff University
- Lacan.J.(1964/2006). *Presentation on Psychical Causality*. In *Ecrits: the first complete edition in English*; transB.Fink. New York: W.W. Norton
- Lacan. J. (1977) *The Four Fundamental Concept of Psycho-Analysis*. Trans. A. Sheridan. New York. Norton.
- Lacan. J. *The seminar of Jacob Lacan*. Trans J.A. Miller (ED), Book VII : *The ethics of Psychoanalusis* . trans. D. Porter. New York: Norton. 1959.
- Lacan.J.(1988). *Logical time and the Assertion of Anticipated Certainty: A new Sophism*. Trans B. Fink and M. Silver, in E. Ragland-Sullivan, ed. *Newsletter of the Freudian Field*, vol 2.
- Migue. Jean Loc(1977) review of political economy

_ Nowrozpour, Morteza, (2019)” Analysis of political protests of January 1396” Journal of Political Science, No. 56. [In Persian]

-Suarez M. Raudelio(2021). *New Waves in social Psychology*. Palgrave Macmillian. Santiago Chile

-.Ropke.Wilhelm,(1948) *Civitas Humana.A human order of society*. Trans by Cyril Spencer. London.William Hodge

-Turtle Sherry (1981). *Psychoanalytic Politics Freud`s French Revolution* . The MIT press Cambridge. Massachusett

- Žižek , S, (1987) *why Lacan is not a post-structuralist?* Newsletter of the Freudian field.